

واکاوی بن مایه‌های مدح دینی در اشعار خواجه حسین ثنائی مشهدی

میناسادات ملاشاهی^۱، عبدالعلی اویسی کهخا^۲، محمدمیر مشهدی^۳

چکیده

مدح و ستایشگری یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های انواع ادبی به شمار می‌رود. این نوع ادبی، بخش مهمی از ادبیات فارسی را به خود اختصاص داده است. شعر مدحی و به ویژه مدح و منقبت پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) در میان شاعران ایران از پیشینه و جایگاه خاصی برخوردار است. خواجه حسین بن غیاث الدین محمد مشهدی، متخلص به ثنائی، از قصیده‌سرایان برجسته قرن دهم هجری است که سبکش جزء سبک بینابین یا حد وسط عراقی و هندی قرار می‌گیرد. برخی پژوهشگران وی را به دلیل تأثیر ویژه‌ای که در تغییر سبک زمان خود داشت، جزء پیشگامان سبک هندی می‌دانند. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، درصدد آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که جایگاه شعر مدح دینی در آثار ثنائی مشهدی چگونه است و وی به مدح چه کسانی پرداخته و به طور کلی بن مایه‌های مدح دینی در آثار وی کدامند؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که مهم‌ترین بن مایه‌های مدح دینی در شعر ثنائی، تبیین و ستایشگری فضائل بزرگ، ذکر محاسن و نیکویی‌های پیامبر (ص) و خاندان عصمت (ع) ذکر برخی از معجزات و کرامات ایشان و اظهار عشق و ارادت به آنان است. ثنائی مشهدی با استفاده از عناصر شاعرانه توانسته احساس و عاطفه خود را نسبت به پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) به خوبی ترسیم کند. وی در اشعار خویش، از احادیث و روایات معتبر نیز سود جسته است.

واژه‌های کلیدی: حسین ثنائی مشهدی، مدح دینی، پیامبر (ص)، ائمه اطهار (ع).

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه سیستان و بلوچستان. زاهدان. ایران. (نویسنده مسئول).

bartareede@gmail.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه سیستان و بلوچستان. زاهدان. ایران. oveisi@lihu.usb.ac.ir

۳. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه سیستان و بلوچستان. زاهدان. ایران. mashhadi@lihu.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

۱. مقدمه

آذین‌بندی شعر و نشر به فضائل و مناقب پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) از دیرباز تاکنون مورد توجه شعرا و نویسندگان بوده است. شاعران ایرانی، همواره در طول تاریخ عشق و ارادت خود را نسبت به بزرگان دینی با زبان نظم و نثر بیان کرده‌اند و هریک به فراخور اعتقاد و نگرش ویژه خود، جنبه‌ای از ارادت و رزوی خویش را در شعر تبیین نموده و اغراض و اهداف خاص خود را داشته‌اند. برخی به مدح و ستایش مرتبه، منزلت و بیان کرامات، معجزات و صفات ویژه ایشان پرداخته، برخی به ذکر مصیبت و مرثیه آنان اقدام نموده و عده‌ای نیز به بیان توسل و شفاعت خواهی از آنان پرداخته‌اند. در هر صورت، توجه و اقبال به اشعار مدحی، به ویژه مدح ائمه اطهار (ع) و پیامبران (ص) در شعر و ادب فارسی - که سرشار از باورها و اعتقادات مذهبی و دینی ایرانیان مسلمان بوده - از رویکردهایی است که همواره در کانون توجه بوده است.

ثنایی مشهدی نیز همچون بسیاری دیگر از شاعران این سرزمین، دیوان اشعار خود را با اشعاری در مدح و منقبت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) آراسته است. این امر نشان‌دهنده تعهد وی به مذهب است؛ به شکلی که می‌توان وی را در زمره یکی از برجسته‌ترین شعرای مذهبی ایران قلمداد کرد که با بیانی هنری و آمیخته با لطافت و ظرافت سخن، اعتقادات مذهبی و دینی را که ناشی از باور قلبی و ارادت خالصانه خود به ائمه اطهار (ع) و پیامبر اسلام (ص)، ترسیم می‌کند.

ثنایی مشهدی با میراث گذشتگان شعر و ادب فارسی پیوندی ناگسستنی دارد. در میان شاعران عهد صفوی، ثنایی از شاعران صاحب‌ذوق است که احساس درونی و نکته‌سنجی و مضمون‌پردازی‌های دقیق خویش را در قالب شعر به تصویر

کشیده است و سبب شده تا او را از پیشگامان و مبدعین سبک هندی بدانند. قالب‌های مورد استفاده ثنائی مشهدی در مدح و منقبت بزرگان عموماً قصیده بوده است. مسئله اصلی این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، علاوه بر شناساندن بیشتر این شاعر، پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین بن‌مایه‌های مدح دینی ثنائی مشهدی کدامند؟ و شاعر بیشتر به مدح چه کسانی پرداخته است؟ نویسندگان با طرح مسائلی از جمله بیان بن‌مایه‌های مدحی در شعر ثنائی به این هدف دست یافته‌اند.

۱-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در زمینه «مدح» صورت گرفته است که برخی از آن‌ها در ادامه بررسی خواهند شد. در مقاله «بررسی اشعار مدحی و مرثی‌های میرزا احمد متولی‌باشی» از ضیاء و دیگران (۱۳۹۹)، بعد از معرفی نسخه خطی و شرح حال شاعر، با روش توصیفی-تحلیلی، اشعار مدحی و مرثی‌های او به تفکیک هر یک از اشخاص از نظر مضامین و محتوا مورد بررسی قرار گرفته و به این نتیجه رسیده است که عوامل بسیاری شاعر را بر آن داشته تا قسمت زیادی از اشعار خود را به مدح و مرثیه اهل بیت (ع) و مدد جستن از آنان و عرض ارادت و طلب شفاعت از آنان اختصاص دهد؛ از جمله: تأثیر فضای دربار پادشاهان قاجاری و تسلط شیعیان در جامعه که باعث رواج تعزیه و نوحه خوانی شده بود، پیشینه خانوادگی شاعر که از سرآمدان دینی بوده‌اند، جایگاه اجتماعی و موقعیت شغلی میرزا احمد روشن و تأثیر فضای مکان مذهبی، تأثیر و تقلید از شاعران بزرگی مانند محتشم کاشانی. مقاله «بررسی انواع مدح و مرثیه در دیوان وصال شیرازی» از صادق‌زاده و امینی خلف بادام (۱۳۹۷) با روش توصیفی-تحلیلی و کمی انواع مدح و مرثیه را در دیوان وصال بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که بسامد مدح

ائمۀ اطهار^(ع) و به ویژه امام حسین^(ع) نسبت به مدح امرا و پادشاهان در دیوان وصال شیرازی بسیار بیشتر است.

مقاله‌هایی نیز به معرفی و بررسی آثار ثنایی مشهدی پرداخته‌اند که بدین قرارند: در مقاله «بررسی عناصر شاعرانه در شعر ثنایی مشهدی» از مینا و کرمی (۱۳۹۳)، بعد از بررسی نظرات مختلف در مورد ثنایی و اشعارش، به واکاوی ویژگی‌های شاعرانۀ زبانی و ادبی و خصوصیات لفظی و معنوی شعر او پرداخته و شعر ثنایی را از جهت کاربرد واژگان ویژه، باستان‌گرایی و آرکائیسم، موسیقی‌های درونی و بیرونی، کناری و معنوی، انواع آرایه‌ها و صور خیال مورد بررسی قرار داده است. مقاله «شناخت‌نامه و معرفی توصیفی آثار خواجه حسین ثنایی مشهدی» از رادفر و قنبری نیز (۱۳۹۲) نیز ضمن گذری بر زندگی، آثار و ویژگی‌های شعر ثنایی، آثار او را در کتابخانه‌های ایران، هند و پاکستان، اعم از دیوان‌های موجود یا اشعار پراکنده در مجموعه‌ها و جنگ‌ها، نسخه‌شناسی کرده است. مقاله «بررسی آثار ثنایی مشهدی با تکیه بر جنبه‌های سبک‌شناسی» از مدبری و قنبری نیز (۱۳۹۱)، ضمن مروری بر آثار ثنایی به بررسی ویژگی‌های سبک‌شناسی زبانی و ادبی شعری پرداخته و با توجه به شعر معاصران او، تأثیر ثنایی را در تغییر سبک از عراقی به هندی مورد بررسی قرار داده است. مقاله «لغت‌نامه دهخدا و دو اشتباه در مورد خواجه حسین ثنایی مشهدی» از کوپا و رضایی (۱۳۹۱)، ضمن بررسی احوال شاعر، به ذکر دو اشتباه در مورد ثنایی در لغت‌نامه دهخدا پرداخته است: ۱- تاریخ فوت ثنایی مشهدی در لغت‌نامه اشتباه ذکر شده؛ ۲- برخی اشعار او به اشتباه به نام سنایی غزنوی در لغت‌نامه راه یافته و شرح حال او نیز با دیگران خلط شده است.

با توجه به موارد فوق‌الذکر، مشخص می‌گردد که هرچند پژوهش‌های انجام‌شده در

زمینه شعر مدحی و خصوصیات شعر ثنائی مطالب مفید و راه‌گشایی ارائه داده‌اند، اما در خصوص مدح در اشعار ثنائی مشهدی، تاکنون تحقیق مستقلی انجام نشده است.

۲-۱. ضرورت پژوهش

با وجود اینکه برخی از پژوهشگران ثنائی مشهدی را جزء پیشگامان سبک هندی می‌دانند، اما اشعار وی برای پژوهش، از نظر محققان نهان مانده است. تاکنون تحقیق کامل و مستقلی در زمینه درون‌مایه‌های مدح دینی در اشعار ثنائی مشهدی صورت نپذیرفته است و با توجه به این مسئله و اهمیت شعر مدح دینی در ادبیات فارسی، ضرورت انجام این پژوهش آشکار می‌شود.

۳-۱. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده که با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای مبتنی بر متون و اشعار ثنائی مشهدی انجام شده است. در این پژوهش، با بررسی کلیات اشعار ثنائی مشهدی، بن‌مایه‌های مدحی در ارتباط با پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) و مهم‌ترین آن‌ها به ترتیب بسامد، طبقه‌بندی و با شاهد مثال تبیین گردید. همچنین قالب شعری مورد استفاده و تعداد اشعار و ابیات دینی وی مورد کاوش قرار گرفت.

۲. مبانی نظری پژوهش

۱-۲. مدح در لغت

در لغت‌نامه مدح را چنین تعریف نموده است: «ستایش، ثنای به صفات جمیله، وصف به جمیل، توصیف به نیکویی، مدحت، مدیح، مدیحه، نقیض هجا، نقیض ذم، آفرین، تحسین، تمجید، مقابل هجو». (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه مدح)

۲-۲. مدح در اصطلاح

در اصطلاح شعری، مدح یکی از قوالبی است که شاعر جهت نیل به مقاصد و اغراض خاص خود، به تمجید و ستایش ممدوح می‌پردازد و محاسن و ویژگی‌های مثبت وی را با اسلوب خاص شعری ترسیم می‌کند. بسته به ممدوح، نیت شاعر متغیر است. مهم‌ترین شکل مدح، مدیحه‌سرایی است. زمخشری در باب مدح معتقد است که مدح در برابر کار پسندیده خارج از اختیار آدمی سروده می‌شود (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۸).

۲-۳. شعر مدحی

شعر مدحی، شعری است که شاعر با استفاده از آن و با تبیین صفات و ویژگی‌های خاص یک فرد، ملت یا یک قوم، به تمجید و نکوداشت آن‌ها اقدام می‌کند. مدح از جمله ابزارهای شعری مهم جهت ستایش و تمجید از محبوب و ممدوح است. از مهم‌ترین شعرای مدحی در طول تاریخ ادبیات فارسی می‌توان به این افراد اشاره کرد: عنصری بلخی، فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی، امیر معزی، لامعی گرگانی، خاقانی شروانی، انوری ایبوردی و....

در تاریخ شعر و ادبیات پارسی، تاریخ دقیق مدیحه‌سرایی مشخص نیست؛ اما با توجه به اطلاعات و مدارک یافت شده، چنین به نظر می‌رسد که شعر مدحی در ایران بعد از اسلام، یعنی قرن سوم هجری و توسط محمد وصیف سگزی آغاز شده است. وی مدح فارسی را به تقلید از عروض عربی سروده است (ر.ک. صفی، ۱۹۹۶: ۱۶۹). پس از محمد وصیف سگزی، شعر مدحی در ادبیات فارسی رواج روزافزونی یافت و جنبه‌های مهم‌تری از مضامین شعری را شامل شد. در ادبیات فارسی، گویا آغاز مداحی و ستایش پادشاهان و اربابان زر و زور از سال ۲۵۱ (ه.ق) بوده است. مدح

سلاطین، کم‌کم از جمله مضامین بنیادین و مهم شعر فارسی شد و سالیان بسیاری ادامه یافت و حتی به عصر ما نیز رسید (رک. وزین‌پور، ۱۳۷۴: ۳۴).

۲-۴. مدح دینی منقبت‌سرایی

در لغت‌نامه ذیل واژه «منقبت» چنین آمده است: هنر و ستودگی، کارهای نیک، منقبه، ج مناقب، آنچه موجب ستایش و مباحات باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه منقبت). مدح دینی یا منقبت‌سرایی، یعنی ستایش سجایا و مراتب آسمانی پیامبران^(ص) و ائمه اطهار^(ع) و به نظم کشیدن و یادکرد فضائل اخلاقی و بزرگداشت آنان که بخش قابل توجهی از ادبیات فارسی را به خود اختصاص داده است و پیشینه کهنی در ادبیات فارسی دارد.

قدیمی‌ترین منقبت موجود در شعر فارسی، قصیده‌ای از کسایی مروزی (قرن چهارم ه.ق) در مدح حضرت علی^(ع) است که نشان از تشیع او دارد. وی را پیشگام شاعرانی چون قوامی رازی (قرن ششم) و محتشم کاشانی (قرن دهم) دانسته‌اند. در آثار اغلب شاعران ایرانی مدح و منقبت دیده می‌شود؛ شاعرانی همچون ابوسعید ابی‌الخیر (قرن چهارم)، ناصر خسرو قبادیانی (قرن پنجم)، سنایی غزنوی (قرن پنجم)، عبدالرزاق اصفهانی (قرن ششم)، بدرالدین قوامی (قرن ششم) و... در قرن هفتم، هشتم و نهم، شعر مدح و ستایش نسبت به ائمه اطهار^(ع) در میان شیعیان ایران، بسیار اوج گرفت. در سال‌های اخیر نیز در بخش منقبت، احمد احمدی بیرجندی چندین مجموعه از مناقب علوی، فاطمی، رضوی و غیره را در بنیاد پژوهش‌های اسلامی به چاپ رسانده است (مظهری‌آزاد، ۱۴۰۳: ۱۳۸).

۲-۵. شناخت نامه خواجه حسین ثنائی مشهدی

خواجه حسین، پسر غیاث الدین محمد مشهدی، از شاعران بنام و معروف قرن دهم هجری است. تاریخ وفات ثنائی را سال ۹۹۶ ه.ق. ذکر کرده‌اند. تاریخ تولد وی مشخص نیست؛ اما شهرت خواجه حسین همزمان بود با حکومت «سلطان ابراهیم میرزای صفوی»، پسر بهرام میرزا و نوۀ شاه اسماعیل اول، بر خراسان. ابراهیم میرزا که خود نیز شعر می‌سرود و تخلص «جاهی» را برای خود برگزیده بود، همواره در پرورش و حمایت علما و شعرا سعی و اهتمام داشت. خواجه حسین خیلی زود در زمرۀ ملازمان ابراهیم میرزا قرار گرفت و تا زمان قتل شاهزاده صفوی پیوسته در سفر و حضر ندیم و همنشین او بود؛ تا بدان جا که هیچ کس اجازه نداشت در خلأ و ملأ مانع از ورود او به حضور ابراهیم میرزا گردد. گاهی نیز ابراهیم میرزا مطلع‌ها و قصیده‌هایی را برای استقبال به ثنائی می‌داد؛ از آن جمله استقبال مطلع قصیده لسانی در نعت امام علی^(ع) در نیشابور که علاوه بر دیباچۀ دیوان ثنائی، به تمامی در مجالس المؤمنین و تذکرۀ میخانه نیز تبیین شده است (رضایی، ۱۳۹۴: ۳). زادگاه ثنائی، شهر مشهد است. پدر وی خواجه غیاث الدین یا به روایت عبدالبنی فخرالزمانی در تذکرۀ میخانه، «غیاث الدین علی» (فخرالزمانی، ۱۳۶۲: ۱۹۸) شغل بزازی داشته و به همین دلیل در تذکره‌ها به او «غیاث بزاز» گفته‌اند. خواجه حسین در شاعری «ثنایی» تخلص می‌کرد. او در ابتدا به شاعری اعتنائی نداشت؛ اما به دلیل خوابی که بعدها دید، به شاعری روی آورد (رضایی، ۱۳۹۴: ۳). ثنائی پس از کشته شدن ابراهیم میرزا برای پیوستن به دربار شاه اسماعیل دوم، به قزوین رفت و قصیده‌ای را در تهنیت جلوس او سرود. مطلع قصیده:

بر تخت جم‌سکندر گیتی ستان نشست

یوسف ز چه برآمد و بر آسمان نشست

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۱۵)

اما به دلیل ذکر نشدن نامش در قصیده، شاه اسماعیل تصور کرد این قصیده در مدح ابراهیم میرزا بوده است؛ بنابراین از او خشمگین شد و ثنائی نیز از ترس جان خود به ناچار به هندوستان مهاجرت کرد (فخرالزمانی، ۱۳۶۲: ۲۰۴). وی در هندوستان، به دربار جلال‌الدین اکبرشاه رفت و مدت زیادی در خدمت او به سر برد. در زمانی که ثنائی در دربار اکبرشاه بود، با شاعران مشهور بسیاری چون غزالی مشهدی، عرفی شیرازی و ... بحث و مناظره داشته است (همان: همان‌جا).

با توجه به تقسیم‌بندی‌های معروف سبک‌های شعر فارسی، شعر ثنائی مشهدی که در قرن دهم است، جزء سبک بینابین یا حد وسط عراقی و هندی محسوب می‌شود (صفا، ۱۳۶۳: ۴۱۶). ثنائی شاعر عصری بوده که شعر فارسی در حال عبور از دوره‌ای به دوره دیگر است. در طی مدت زمانی کوتاه پس از روی آوردن به شاعری، آوازه شاعری او سراسر ایران و همسایگان شرقی را درنوردید. «به جرئت می‌توان گفت که کمتر جنگ و مجموعه‌ای بعد از قرن دهم سراغ داریم که غزلی یا قصیده‌ای یا حتی بیتی از ثنائی را در خود جای نداده باشد» (رادفر و قنبری‌ننیز، ۱۳۹۲: ۸۵). او با شاعران مشهور زیادی مانند میلی‌هروی، نظیری نیشابوری، غزالی مشهدی، عرفی شیرازی و ... مناظره و مباحثه داشته است. در اشعار ثنائی مشهدی، ویژگی‌ها و خصوصیات سبک هندی از جمله: مضمون‌آفرینی، نازک‌خیالی، استقلال معنایی بیت، نکته‌های دیرپاب، واژگان و اصطلاحات غریب و جدید، تمثیل و دقت معانی به نسبت سایر هم‌عصرانش بسامد بیشتری دارد. به همین دلیل و همچنین به دلیل نقش ویژه‌ای که وی در تغییر سبک زمان خود داشته «می‌توان ثنائی را با توجه به تاریخ حیات و درگذشت او که قدیمی‌تر از شعرای دیگر سبک هندی است، یکی از بنیان‌گذاران این سبک دانست؛ اگرچه برخی این امتیاز را برای طالب‌آملی (متوفی ۱۰۳۲ ه. ش) قائل

شده‌اند» (مدبری و قنبری نیز، ۱۳۹۱: ۳۲۶). امین احمد رازی در مورد شهرت اشعار ثنائی می‌نویسد: «و دیوان وی که شارح فرات و شارح آب حیات بوده، امروز متداول است و به قصیده که شگرف‌ترین انواع سخن اوست، زیاده رغبت فرموده و بنای آن را نوعی نهاده که از رگ اندیشه خون چکانیده» (رازی، ۱۳۸۹: ۷۹۴/۲).

آثار ثنائی مشهدی عبارتند از:

۱. دیوان اشعار: تعداد ابیات دیوان ثنائی حدود ۳۴۰۰ بیت و مشتمل بر قصائد، غزلیات، مقطعات و رباعیات است (اوحدی، ۱۳۸۸: ۸۸۹/۲). او ۷۶ قصیده با مضامین مدح، وصف و منقبت دارد که قالب شعری عمده اشعار اوست. شمار قصائد مدحی او در این میان، بیش از دو نوع دیگر است. علاوه بر آن، ۷۳ غزل در بحور مشهور شعر فارسی، ۲۲ قطعه و ۱۳۷ رباعی سروده است.

۲. ساقی‌نامه: مشتمل است بر ۱۷۳ بیت که به نام «ابراهیم میرزا» در قالب مثنوی و بحر متقارب مثنی مقصور سروده شده است. ثنائی در پایان ساقی‌نامه قبل از مدح ابراهیم میرزا، چند بیتی در مدح علی بن ابی طالب (ع) گنجانده و در اثنای مدح ابراهیم میرزا ضمن تفاخر به سخنوری خویش، ابیاتی را در تعریض به حکیم نظامی آورده است.

۳. اسکندرنامه یا سد سکندریا باغ ارم: قریب به ۸۷۱ بیت، در قالب مثنوی و بحر متقارب مثنی محذوف و درباره داستان ناتمام لشکرکشی اسکندر مقدونی تا ماجرای کشته شدن دارا است. او این مثنوی را به تقلید از اسکندرنامه نظامی و به نام اکبرشاه سروده است. تنها شباهت آن به اسکندرنامه نظامی، آوردن ساقی‌نامه‌های دو سه بیتی است؛ با این تفاوت که ساقی‌نامه در مثنوی نظامی در

اول داستان‌ها و در مثنوی ثنائی، در پایان آمده است. سرودن همراه با شتاب‌زدگی را می‌توان در قسمت‌های پایانی مثنوی مشاهده کرد. تقی کاشی این مثنوی را ناقص دانسته و می‌نویسد: «و دیگر از منظومات این خواجه بلاغت آثار، مثنوی است موسوم به سدّ سکندر که اگرچه تمام نکرده، لیکن قدرتش در دقایق شاعری از آن مفهوم می‌شود» (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۲۶۲/۱).

۳. بحث و بررسی

۳-۱. مدح در شعر ثنائی مشهدی

ثنائی شاعری شیعه است و مدح پیامبر^(ص) و ائمه اطهار^(ع) از مهم‌ترین موضوعات شعری اوست. «اشعاری که در منقبت ائمه دین سروده، چندان است که پاره‌ای از تذکره‌نویسان او را مداح ائمه شیعه خوانده‌اند» (رسولی، ۱۳۸۰: ۸۲۸). وی در اشعار خود به فضائل و شخصیت پیامبر^(ص) و ائمه^(ع) توجه ویژه‌ای نشان داده است. صداقت در کلام و اظهار عشق و ارادت در مدح و منقبت بزرگان دینی، در شعر ثنائی مشهدی موج می‌زند. ثنائی خود را نسبت به نشر فضائل و محاسن و بیان حقایق این خاندان موظف می‌دانسته است. وی توانسته است به خوبی از انواع صور خیال و صنایع شعری همچون صنعت اغراق و تشبیه در مدح‌های خویش استفاده کند و ممدوح خود را به صفاتی همانند شجاعت، عدالت، هیبت، جود و کرم و... بستاید.

قالب شعری مورد استفاده ثنائی در مدح دینی و منقبت سرایی، «قصیده» است. او گاه در قصائد خویش، ساختار یک قصیده کامل را رعایت کرده است. در چنین موقعیت‌هایی، تغزلات زیبایی در مطلع قصائدش وجود دارد و در ادامه، مدیحه کاملی همراه با شریطه و تأبید مشاهده می‌شود:

تا باشد این که رسم بود از پی دعا
 برداشتن به درگه پروردگار دست
 دستت به کار باد رساتر ز روزگار
 خصم تو را مباد به هنگام کار دست

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۵۰)

در قصائد کامل وی تغزلات زیبایی وجود دارد که یادآور غزلیات شاعر است. وی در پایان تغزلاتش معمولاً در گریز به مدح ممدوح، تخلص‌های زیبایی خلق کرده است؛ از جمله:

سر دو چشم تو گردم که گاه لطف نگه
 چو چودشاه جهان، رسم انتظار شکست

(همان: ۱۴۸)

اصل شهرت ثنایی و سبک خاصی که برای وی قائل شده‌اند، در قسمت اصلی قصائد او یعنی مدح ممدوح، نمود پیدا کرده است؛ هرچند شاعر در این بخش به شدت گرفتار مضمون‌یابی است، طوری که گاهی دقت او در تحصیل مضامین بدیع و دور از ذهن و عدم توجه به الفاظ، باعث شده است فهم معنی برای خواننده نامفهوم گردد (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۰).

ای برده در طراوت حسن از بهار دست
 از خون کیست باز تو را در نگار دست؟
 چون زلف توبه هر چه نهم دست بشکند
 تا شد به عهد بستنت امیدوار دست

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۵۰)

صفا درباره اشعار ثنائی گفته است: «آنچه درباره ثنائی گفته می‌شود این است که اگرچه غزل بسیار دارد، در حقیقت شاعری قصیده‌سراست و بیشتر نازک‌کاری‌ها که به او نسبت داده‌اند، در قصیده‌ها دیده می‌شود تا در غزل‌هایش و آن هم در قسمت مدیحه از قصیده‌ها بیشتر مشاهده شده است تا در تشبیب یا تغزل» (صفا، ۱۳۷۸: ۵/۷۸۳).

ثنائی در اشعار خود از صنایع شعری بسیاری بهره‌جسته است و توانسته به شعر مدحی خویش با استفاده از عناصر شاعرانه و خیال‌انگیز، پویایی و سرزندگی ببخشد. مهم‌ترین ممدوحان ثنائی در میان بزرگان دینی و مذهبی عبارتند از: پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع)، حضرت زهرا (س)، امام علی بن موسی‌الرضا (ع)، امام جواد (ع)، امام حسن عسگری (ع) و حضرت مهدی (عج). در این میان مدح امام رضا (ع) در اشعار وی بسامد بالاتری دارد.

تعداد قصائد ثنائی در مدح بزرگان دینی جمعاً ۲۱ قصیده است. شماره هر قصیده و تعداد ابیات آن‌ها به تفکیک، بدین قرار است:

- مدح پیامبر (ص): قصیده ۲، بیت ۳۵
- مدح امام علی (ع): قصیده ۱۳، بیت ۳۱؛ قصیده ۲۸، بیت ۳۶؛ قصیده ۳۶، بیت ۲۷؛ قصیده ۸۱، بیت ۴۳؛ قصیده ۵۹، بیت ۳۲
- مدح حضرت زهرا (س): قصیده ۷۶، بیت ۱۲
- مدح امام رضا (ع): قصیده ۸، ۵۰؛ قصیده ۳۱، ۳۳؛ قصیده ۴۶، ۲۷؛ قصیده ۵۰، ۴۰؛ قصیده ۶۶، ۹؛ قصیده ۷۳، ۳۹؛ قصیده ۸۵، ۳۰؛ مدح امام جواد (ع): قصیده ۴۸، ۲۰؛ بیت
- مدح امام حسن عسگری (ع): قصیده ۸۲، ۳۴؛ بیت ۱۲، ۷۹

- مدح حضرت مهدی (عج): قصیده ۱۴، ۳۱ بیت؛ قصیده ۳۸، ۲۶ بیت؛ قصیده ۳۶، ۲۷ بیت؛ قصیده ۸۱، ۴۳ بیت.

در ادامه مهم‌ترین موضوعات در ارتباط با این بزرگان به همراه نمونه‌هایی از ابیات ثنایی ذکر می‌شود. مضامینی که در ذیل آمده است، بنا بر بسامد آن‌ها به صورت کلی در اشعار ثنایی بیان شده است؛ بدین معنی که ترتیب فضائل ذکرشده، برحسب پرتکرار بودنشان در نظام فکری ثنایی است. او فضائلی همچون شکوه و منزلت، حسن و زیبایی، عطا و کرم را برای اغلب ممدوحان دینی خود تکرار کرده است و در کنار آن، برخی فضائل خاص مثل عفت، راهنما بودن، علم و دانش و... را برای برخی از ممدوحان دینی خویش ذکر نموده است. همچنین بیان اسامی و القاب بزرگان دینی در تمامی اشعار مدحی و منقبتی وی نمود دارد.

۳-۱-۱. مدح پیامبر اکرم (ص)

پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص)، یکی از شخصیت‌های بزرگ مورد توجه ثنایی مشهود است. او نگاه ویژه‌ای به جایگاه و مقام والای حضرت داشته و ایشان را مورد مدح و ستایش قرار داده است. ثنایی در اشعار خود توانسته است با استفاده از ذکر القاب، وصف مقام و عظمت، ذکر حسن و زیبایی، بیان خصوصیات اخلاقی و... ارادت خالصانه و محبت بی‌شائبه خود را نسبت به ساحت مقدس حضرت ختمی مرتبت به خوبی ترسیم نماید.

۳-۱-۱-۱. اشاره به معجزه شق القمر

«شق القمر» یا «انشقاق القمر» (شکافتن ماه) معجزه‌ای است که در روایات اسلامی، به پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) نسبت داده شده است. بنا بر روایات، پیامبر (ص) به

عنوان معجزه، ماه را به دو نیم قسمت کرد و بعد فرمان داد تا به حال نخستین بازگردد. زمان این معجزه نیز سال‌های آغازین بعثت در مکه بوده است. علامه طباطبایی، زمان آن را شب ۱۴ ذی‌الحجه سال پنجم قبل از هجرت می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۱ق: ۶۵). مفسران اسلامی معتقدند آیات ابتدایی سوره قمر در قرآن، در مورد همین معجزه نازل شده است: «اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ: نزدیک شد آن ساعت و از هم شکافت ماه و هرگاه نشانه‌ای ببینند، روی بگردانند» (قرآن کریم، سوره قمر، آیه ۱-۲).

گر در دلش بزرگی تو بگذرد کند

در جرم‌مه شکاف چوپییغمبر آفتاب

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۱۴۸)

۳-۱-۲. بیان اسامی و القاب

در اشعار ثنایی مشهدی، به «خاتمیت» پیامبر^(ص) اشاره شده است. خاتمیت (به معنای پایان یافتن نبوت به حضرت محمد^(ص))، مفهومی کلامی و از آموزه‌های مشترک تمامی مسلمانان است. در قرآن کریم تعبیر «خاتم النبیین» در سوره احزاب، به عنوان وصف پیامبر اکرم به کار برده شده است: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (احزاب/۴۰).

ختم رسل که سرمه چشم جهان فروز

گیرد ز خاک مقدم آن سرور آفتاب

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۱۴۸)

۳-۱-۳. بیان شکوه و منزلت

شاعران و نویسندگان بسیاری عظمت و شکوه پیامبر اکرم^(ص) را در شعر و نثر ادبیات فارسی توصیف کرده‌اند. تمام کائنات بسته هستی پیامبرند. حدیث «لولاک» بیانگر این حقیقت است: «لولاک لما خَلَقْتُ الافلاک: خداوند فرمود: ای محمد، اگر به خاطر تو نبود، جهان را نمی‌آفریدم» (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۴۸۴). ثنایی نیز در وصف مقام آن حضرت می‌سراید:

یک ذره از ضمیر تو بیرون اگر فتد

از شرق تا به غرب شود یکسر آفتاب

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۱۲۳)

۴-۱-۳. بیان حسن و زیبایی

ای طعنه زن ز روی تو گوهر بر آفتاب

وی در عرق چو روی تو از گوهر آفتاب

(همان: ۱۴۸)

۵-۱-۳. بیان حلم

سرشار کی شود می‌اش ارزان که قطره‌ای

ریزد ز ظرف حلم تو در ساغر آفتاب

(همان: ۱۲۲)

۶-۱-۳. بیان قهر و هیبت

خواهد به روز خشم تو حرفی رقم کند

دارد به کف ز آتش از آن دفتر آفتاب

(همان: ۱۴۸)

۳-۱-۲. مدح حضرت علی^(ع)

از مضامین مهمی که در دیوان ثنایی درخصوص حضرت علی^(ع) بازتاب یافته، ذکر القاب و اسامی، توصیف فضائل و ویژگی اخلاقی ایشان مثل شجاعت، عدل و غیره است که در ادامه به برخی از این ابیات همراه با بیان مهم‌ترین صنعت شعری بیت اشاره می‌شود.

۳-۱-۲-۱. اشاره به واقعه غدیر خم و ولایت حضرت علی^(ع)

واقعه غدیر خم یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ اسلام به شمار می‌رود. در این واقعه، حضرت محمد^(ص) به دستور خداوند، هنگام بازگشت از حجة الوداع در سال دهم هجری قمری، حضرت علی^(ع) را در غدیر خم به عنوان ولی و وصی خویش به مردم معرفی کرد (قمی، ۱۴۱۲: ۱۷۹). بسیاری از شاعران به این واقعه در اشعار خویش اشاره کرده‌اند. ثنایی مشهدی نیز در این باره می‌سراید:

قاسم نار و جنان، سرور مردان حیدر

شیر حق، نفس نبی، ناصر و مولای امم

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۲۵۱)

۳-۱-۲-۲. بیان اسامی و القاب

ثنایی مشهدی در اشعار مدحی خود، برای تأثیرگذاری بیشتر از اسامی و القاب خاص ممدوح خویش بهره می‌برد و گاه این اسامی را در ابیات قصائد مختلف، تکرار می‌کند:

علی عالی‌اعلی که چوب حاجب او

سری‌نال و تگین را به روز بار شکست

(همان: ۱۴۸)

این سرافرازی و اقبال از آنت دادند

که سگ خویشنت خواند شه مهر علم

(همان: ۲۵۱)

نیست تعجب اگر همچو منی را بداد

رتبه پیشینیان دولت شاه نجف

(همان: ۲۳۵)

۳-۲-۱-۳. بیان حسن و زیبایی

در احادیث و روایات بسیاری، حسن و زیبایی چهره و قامت حضرت علی^(ع) ذکر شده است. مغیره در این باره گفته است: «علی به سان شیر بود؛ از اعضای او آنچه باید درشت باشد، در کمال درشتی و آنچه باید ظریف باشد، در کمال ظرافت بود» (مجلسی، ۱۳۱۵: ۴۰). حضرت علی^(ع) خود، در بیان زیبایی می فرمایند: «حُسْنُ وَجْهِ الْمُؤْمِنِ مِنْ حُسْنِ عِنَايَةِ اللَّهِ بِهِ: زیبایی رخسار مؤمن از حسن عنایت خداست به او» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵: ۸۷). همچنین ایشان نکورویی را آغاز خوشبختی می دانستند: «حُسْنُ الصُّورَةِ أَوَّلُ السَّعَادَةِ» (همان: ۶۳). ثنایی نیز در توصیف زیبایی و جمال آن حضرت می سراید:

در نوبهار حسنش از ابر دیده ما

صحرای درد خرم پای نشاط در گل

مهر سپهر مسند شاه نجف که آمد

گل میخ آستانش خورشید را مشاکل

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۲۳۵)

چشمان نیم مستش بهر هلاک عاشق

از غمزه تیغ بر کف چون هندوان قاتل

(همان: ۲۳۶)

به روز حشر هنوزش دو دیده باز بود

کسی که دیدن روی تو کرد حیرانش

علی عالی‌اعلی که بحر با همه فیض

نمود کسب کرم از سحاب احسانش

(همان: ۲۲۸)

۳-۲-۴. اظهار عشق و ارادت

از مصادیق آیه مودت، «ذلک الذی یُبَشِّرُ اللهَ عِبَادَهُ الذِّینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا اِسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبٰی وَمَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نِّزِدْ لَهُ فِیْهَا حُسْنًا اِنَّ اللهَ غَفُوْرٌ شَکُوْرٌ» (شوری/ ۲۳)، ائمه اطهار^(ع) هستند؛ بنابراین عشق به ائمه و محبت به آنان یک ضرورت دینی به شمار می‌آید (مقدس‌سی و محمودی، ۱۳۹۹: ۷۲). ثنائی مشهدی توانسته است احساس و عاطفه خویش را نسبت به حضرت علی^(ع) به بهترین شکل به تصویر بکشد:

کمند زلف تو کان را بود هزار شکست

به هر شکست دلم را هزار بار شکست

کشنده چشم تو مستی است وین عجب کورا

هنوز نشئه نیاورده بر خمار شکست

علی عالی‌اعلی که چوب حاجب او

سرینال و تگین را به روز بار شکست

(ثنائی، ۱۳۹۴: ۱۴۸)

ای دل، لباس امن ز جان ساختن خوش است
 آنجا که عشق ابر بلا قطره بار کرد
 یعنی علی عالی اعلی که روز رزم
 چرخش لقب تهمتن دلدل سوار کرد

(همان: ۱۴۸)

سرگشته در هوایت خورشید آتشین دل
 در خون دیده غلطان چون مرغ نیم بسمل
 از روی دل فروزش انوار حسن ظاهر
 همچون فروغ نصرت از تیغ شاه عادل
 مهر سپهر مسند شاه نجف که آمد
 گل میخ آستانش خورشید را مشاکل

(همان: ۲۳۵)

۳-۱-۲-۵. بیان عطا و کرم

قاسم نار و جنان، سرور مردان حیدر
 شیر حق، نفس نبی، ناصر و مولای امم
 رودش پای به هر گام فرو در گنجی
 گر زند شخص به دریوزه دست تو قدم

(همان: ۲۵۲)

علی عالی اعلی که بحر با همه فیض
 نمود کسب کرم از سحاب احسانش

(همان: ۲۲۹)

۳-۲-۶. بیان حلم

مرکب باد اگر حامل حلم تو شود
 در دل سنگ تواند که کند پا محکم
 قاسم نار و جنان، سرور مردان حیدر
 شیر حق، نفس نبی، ناصر و مولای امم
 (همان: ۲۵۱)

می‌نسپرد صبا به همه عمر یک دو گام
 در هر زمین که حلم تو دفن وقار کرد
 یعنی علی عالی‌اعلی که روز رزم
 چرخش لقب تهمتن دلدل سوار کرد
 (همان: ۱۸۱)

۳-۲-۷. بیان شجاعت و دلیری

بسترد موی چو آبی که رباید خاشاک
 گر شود خاصیت تیغ تو در خوی مُدغم
 ز پیش حمله کینش عدو به روز مصاف
 چنان گریخت که پیشانی از غبار شکست
 (همان: ۲۵۲)

چنان گریخت که پیشانی از غبار شکست
 (همان: ۱۴۸)

با تو دودل چراست عدو گرنه در دلش
 یک ره به کین خیال حُسامت گذار کرد
 (همان: ۱۴۸)

۳-۱-۲-۸. بیان کین خواهی و ستم ستیزی

گر کند صورت کین تو تصور نقاش

از مهابت دهد اسبان مصور را رم

(همان: ۲۵۲)

گروزد صرصر کین توبه صحرای خیال

صورت اندر رحم آینه باشد از هم

(همان: ۲۵۳)

۳-۱-۲-۹. بیان علم و دانش

در باب علم و دانش حضرت علی^(ع) همین بس که پیامبر^(ص) فرموده‌اند: «أنا دارُ الحِکْمَةِ وعلیُّ بائِها: من خانَةُ حکمتِمْ وعلی، در آن» (محمّدی ری شهری، ۱۳۹۸: ۵۰۹/۱۰). ثنایی در باب علم و دانش حضرت علی^(ع) با استفاده بجا و مناسب از صنعت اغراق و تشبیه، می‌سراید:

دریای علم و احسان یعنی علی عمران

کآمد چو عقل لطفش بر جن و انس شامل

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۲۳۶)

۳-۱-۲-۱۰. طلب توجه و توسل

تاجورایک دوبیت می‌کنم از حال خویش

پیش تو املادمی گوش بدار این طرف

قطره قابل منم، نیک پیرو مرا

چون به هنر نیست کم تربیت از صدف

(همان: ۲۳۵)

ای دل به دور حسنش، گر حظ عمر خواهی

از دامن جفایش دست نیاز مگسل

(همان: ۲۳۶)

۳-۱-۲-۱۱. بیان عدل و انصاف

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حضرت علی^(ع)، برقراری عدل و عدالت توسط ایشان است. ایشان در احادیث و روایات بسیاری به لزوم عدل و عدالت در جامعه تأکید داشته‌اند. از جمله می‌فرمایند: «فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجُورُ عَلَيْهِ اضْيَاقٌ: در عدالت گشایش است و آن‌که عدالت را برنتابد، ستم را سخت‌تر یابد» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵: ۲۳۵/۷). ثنایی در بیان عدل آن حضرت می‌سراید:

شاهد عدل تو تا جلوه‌گری کرد آغاز

کرد یک جای وطن عشق و فراغت باهم

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۲۵۱)

طفل رحم چو غنچه کند برگ عیش ساز
تا سایه ابر عدل تو بر روزگار کرد

(همان: ۱۴۸)

۳-۱-۲-۱۲. بیان لطف

چون ابر دست جودش بر برّ و بحر فیاض

چون عقل لطف عامش بر جن و انس شامل

(همان: ۲۳۷)

۱-۲-۳. بیان عزم و اراده

به یک نفس به سر آید هزارساله زمان

شتاب عزم تو چرخ ار دهد به دورانش

(همان: ۲۲۹)

۱-۲-۱۳. ذکر نام متعلقات حضرت (مرکب و شمشیر)

ستایش و وصف حضرت علی^(ع) با مرکب ایشان (دلدل) و شمشیر ایشان (ذوالفقار) از پیشینه گسترده و قابل توجهی در ادبیات فارسی بهره مند است. این گستردگی هم در متون ادبی و شعر کلاسیک و هم متون منظوم مذهبی و عامیانه با تعبیرهای گوناگون و گویش‌های مختلف مشاهده می‌شود (یا حقی، ۱۳۸۶: ۳۶۰). خود دلدل نیز در ادبیات فارسی از شاخصه‌هایی مانند رهواری و تیزتکی بهره مند است و در اشعاری که غالباً جنبه آیینی دارند، می‌توان چنین واژه‌ای را یافت (انجوی، ۱۳۵۴: ۶۸). ثنایی نیز در اشعار خود از واژه دلدل و ذوالفقار استفاده کرده است:

یعنی علی عالی اعلی که روز رزم

چرخش لقب تهمتن دلدل سوار کرد

روید گیاه او همه بر شکل فرقدان

بر هر زمین که سایه کین ذوالفقار کرد

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۱۴۸)

۳-۱-۳. مدح حضرت زهرا^(س)

بسیاری از شاعران شیعی، حضرت زهرا^(س) به عنوان بانوی بزرگوار اسلام مدح کرده‌اند و از جنبه‌های متفاوتی همچون مظلومیت، حجب و حیا، تدین و... به نعت حضرت

پرداخته‌اند. ثنائی مشهدی نیز در شعر خویش ایشان را با صفاتی همچون عفت، بخشش، بزرگی و... توصیف نموده است.

۱-۳-۱-۳. بیان اسامی و القاب

بتول مصطفی زهرای ازهر آن‌که همچون جان

اگر آید برون از پرده باشد همچنان پنهان

(همان: ۲۸۷)

۱-۳-۲-۳. بیان شکوه و منزلت

گراز چشم حقارت سوی هستی بنگرد چشمت

شود در تنگنای سینه موری جهان پنهان

(همان: همان‌جا)

۱-۳-۳-۳. بیان عفو و بخشش

اگر عفو نگردد ضامن آمرزش خلقتان

شود از قالب اموات روز حشر جان پنهان

(همان: ۲۸۸)

۱-۳-۴-۳. بیان عفت

حضرت فاطمه (س)، دخت پیامبر (ص)، از الگوهای اصلی عفاف و حجاب و مظهر عصمت و پاکی در دین اسلام و به خصوص مذهب شیعه به شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین ابعاد شخصیت ایشان، بعد عفاف است که از امتیازات خاص آن حضرت محسوب می‌گردد. در بحث از عفت و پاکی ایشان روایت شده است که روزی نابینایی

وارد خانه حضرت زهرا^(س) شد. در آن لحظه حضرت خود را پوشاند. پیامبر^(ص) فرمود: چرا خود را پوشاندی، در حالی که او تو را نمی بیند؟ حضرت فاطمه^(س) عرض کرد: اگر آن نابینا مرا نمی بیند، من که او را می بینم و او بوی مرا استشمام می کند. پیامبر فرمود: شهادت می دهم که تو پاره تن منی (مجلسی، ۱۳۱۵: ۹۱/۴۳). ثنایی در مورد عفت حضرت زهرا^(س) سروده است:

زهی ز غایت عفت ز چشم اختران پنهان

زهی پیدا تر از خورشید لیک از هر نهنان پنهان

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۲۸۷)

که بنواختن از احتساب عفت شاید

اگر گردد درون پرده بربط فغان پنهان

(همان: ۲۸۸)

۳-۱-۴. مدح امام رضا^(ع)

هشتمین امام شیعیان، حضرت امام رضا^(ع)، در اشعار مناقبی شعرای آیینی فارسی زبان، حضوری گسترده و فراگیر دارد. نشر فضائل آن حضرت در اشعار مدحی بسیاری از شاعران از گذشته تاکنون مشاهده می شود؛ چراکه ایشان هم خود به شاعری علاقه مند بوده اند و هم شاعران را به گفتن اشعار در مدح ائمه اطهار^(ع) و ذکر فضائل آنان تشویق می کرده اند: «ما قالینا مؤمن شعراً یمدحنا به الا بنی الله تعالی له مدینه فی الجنه اوسع من الدنیا سبع مرات: مؤمنی که درباره ما یک بیت شعر بگوید و ما را مدح کند، خداوند شهری در بهشت برای او بنا می کند که هفت بار وسیع تر از دنیا است» (صدوق، ۱۳۶۳: ۷). ثنایی مشهدی اشعار متعددی در مدح امام رضا^(ع)

سروده که نشان از دل‌بستگی خاطر این شاعر به امام رضا^(ع) و ارزش‌های دینی و شیعی است. او همواره صدق و ارادت خود را نسبت به حضرت امام رضا^(ع) بیان می‌دارد.

۳-۱-۴-۱. بیان اسامی و القاب

گل ریاض رسالت مه سپهر جلال
که گشت نام ز خلق حسن ابوالحسنش

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۲۳۱)

هرچه گویم زین نمط عیبم مکن
کز در شاه خراسان می‌رسم

(همان: ۲۵۵)

علی موسی جعفر شه ستاره چشم
که آسمان کند از نعل مرکبش دیهیم

(همان: ۲۸۱)

شافع محشر که از عفو شفاعت خواه اوست
گر گنهکاری نرُفت از روی صهبا روشنی

(همان: ۳۶۵)

۳-۱-۴-۲. بیان شکوه و منزلت

زمین طوس فلک‌سای اگر شود چه عجب
چنین که بهر تو برخاست از پی تعظیم

(همان: ۲۸۱)

آن‌که گر خورشید را تعلیم ستّاری دهد

روز اندر وی نبیند چشم بینا روشنی

(همان: ۳۶۵)

کمینه قدر تو را گر نه چرخ پرده سراسر است

ز چیست در پس نه پرده جای ساختنش؟

(همان: ۲۳۱)

بود غلام کمین تو ماه، زین سبب است

که آفتاب نشاند به جای خویشتنش

(همان: ۲۳۲)

۳-۴-۱-۳. بیان حُسن و زیبایی

قضا که باغ وجود آب و رنگ داده اوست

چو سرو قدّ تو نخلی نرست در چمنش

(همان: ۲۳۳)

۳-۴-۱-۴. بیان عشق و ارادت

پای تا سر سوزم و روشن نگردد آتشم

کی دهد از بس کدورت آتش ما روشنی

گر نه در آتش خیال شمع رخسار تو دید

از چه روگشت این چنین دروی شکیبار روشنی

گر نسودی چهره بر خاک در شه چون دهد

در زبانم شرح آن رخسار زیبا روشنی

بوالحسن شاه خراسان رهنمای دین که هست

دیده‌سان ما را به طوفش الفتی با روشنی

(همان: ۳۶۵)

در تب شوق آتش افشان می‌رسم

آفتابم از خراسان می‌رسم

دیده‌دهرم ولی در خاک و خود

همچو طفل اشک غلطان می‌رسم

کشته‌عشقم که سرکش می‌زیم

مردۀ شوقم که بی‌جان می‌رسم...

بوالحسن آن شه که فرمان قضا

گویدش از بهر فرمان می‌رسم

(همان: ۲۵۵-۲۵۴)

دلم چه سان رهد از قید او که هست اسیر

هزار یوسف گم‌گشته در چه ذقش...

(همان: ۲۳۰)

۳-۱-۴. بیان عطا و کرم

به بحر گرسد آوازه‌عطای کفش

درم نهان شود اندر مسام ماهی سیم

(همان: ۲۸۱)

جهان پناه کریمی که گاه لطف و عطا

پیش دست حقیر است حاصل زمنش

(همان: ۲۳۱)

۳-۱-۴-۶. بیان عدل و انصاف

ز پاس عدل طراز تو عقل را شاید

که دزد خواب شود همچو هوش مؤتمنش

(همان: ۲۳۲)

۳-۱-۴-۷. بیان قهر و هیبت

کسی که سوخته آتش عتاب تو شد

به روز حشر نیاید ز بیم جان به تنش

(همان: همان جا)

شهی که صرصر قهرش اگر به چین گذرد

بساط عجز بپوشد صنم چو برهمنش

(همان: ۲۳۳)

ز کبریات چنان جای بر فلک شده تنگ

که از فشارش یکسر کبود شد بدنش

(همان: همان جا)

۳-۱-۴-۸. بیان شجاعت و دلیری

حسام تیر تو آن طرفه برق پر شرر است

که گشت شیوه همه جای بر سر آمدنش

(همان: ۲۳۱)

۳-۱-۴-۹. بیان راهنما بودن

شهاب رای تو آن را که گشت راهنمای

چه غم ز ظلمت عصیان و کید اهرمنش

(همان: ۲۳۲)

۳-۱-۵. مدح امام جواد^(ع)

امام جواد^(ع)، محمد بن علی بن موسی الکاظم، فرزند امام رضا^(ع)، نهمین امام شیعیان است که شوربختانه مقام و مرتبه^۱ والای ایشان در میان شیعیان و به خصوص شاعران، چندان شناخته شده نیست؛ این در حالی است که طبق فرموده^۲ پیامبر اسلام^(ص)، پاداش معرفت و شناخت ائمه اطهار^(ع)، همجواری با ایشان در بهشت است (رک. مجلسی، ۱۳۱۵: ۱۸۱/۷).

ثنایی مشهدی، شاعر شیعی در اشعار خود توانسته است به خوبی با استفاده از ابزار و صنایع شاعرانه به مدح و ستایش امام جواد^(ع) پردازد و فضائل ایشان را برشمارد.

۳-۱-۵-۱. بیان اسامی و القاب

محمد ابن علی شه که ذره‌ای ز سخاش

به برّ و بحر نگنجد اگر کنند تصویر

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۲۲۷)

۳-۱-۵-۲. بیان شکوه و منزلت

ابا به پایه قدر تو آسمان کوتاه

ایا به دیده جود تو کائنات حقیر

(همان: همان جا)

۳-۵-۱-۳. بیان قهر و هیبت

چو مرغ می‌رمد اندیشه ز آشیانه دل

خیال هیبت آن را که بگذرد به ضمیر

(همان: همان جا)

به چشم خلق شود هولناک ترز جحیم

مهابت تو اگر در شرر کند تأثیر

(همان: همان جا)

۳-۵-۱-۴. بیان عدل و انصاف

شکوه عدل چنان شد که کلبه دل را

غم خرابه نشین همچو می‌کند تعمیر

(همان: همان جا)

به عون معدلت با وجود ضعف بدن

به قصد شکر نسیم سحر کند شبگیر

(همان: ۲۲۸)

۳-۵-۱-۵. بیان شجاعت و دلیری

فسرده‌ای که به خصم تو گرم خویی کرد

رگش درون جگر کرد کار چوبه تیر

سزد که گرد کند کار سوده الماس

زلال تیغ تو گر خاک را کند تخمیر

(همان: ۲۲۷)

۳-۱-۵. بیان نکویی و خوبی

بدی ز ذات نکویت چنان کناره گرفت

که شبهت ار بکشد شخص عاری از تصویر

(همان: همان‌جا)

چنان ز خاصیت خوبی‌ات نکو آید

که هیچ بد نتوان کرد اندر آن تقدیر

(همان: ۲۲۸)

۳-۱-۶. مدح امام حسن عسگری^(ع)

حضرت ابومحمد حسن بن علی عسگری^(ع)، پدر امام زمان (عج) و یازدهمین امام شیعیان می‌باشند. اسم شریف آن حضرت، حسن و کنیه‌اش ابومحمد و مشهورترین لقب ایشان عسگری است (شریف القریشی، ۱۳۷۶: ۲۰). ثنایی مشه‌دی توانسته است با مدد از صنایع بدیعی شعر فارسی، به مدح و تبیین فضائل این امام بزرگوار پردازد.

۳-۱-۶-۱. بیان اسامی و القاب

محمد ابن حسن کز غبار لشکر او

کنند کسب ضیا ساکنان علین

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۲۹۱)

یعنی محمد ابن حسن کزی شرف

سازد ز نعل مرکب او قیصر آینه

(همان: ۲۹۷)

۳-۱-۶-۲. بیان شکوه و منزلت

مگر که یافت فلک دسترس به خاک درش

که یک نفس نرسد پایش از طرب به زمین

(همان: ۲۹۱)

۳-۱-۶-۳. بیان حسن و زیبایی

کرد از خیال زلف تو ای نوبهار ناز

دریافت کنار پر از عنبر آینه

یا قوت اگر نخورد ز لعل لبث چرا

سازد جمال پیش رخت احمر آینه ...

(همان: ۲۹۷)

۳-۱-۶-۴. بیان عشق و ارادت

آینه وار از دلم آتش علم کشید

تا جا نمود مهر رخت در بر آینه

(همان: ۲۹۸)

از عکس آفتاب جمال تو می شود

خورشید آتشین دل و مه پیکر آینه

(همان: همان جا)

۳-۱-۶-۵. بیان عدل و انصاف

فکند بستر راحت برای خواب امان

به دور عدل تو گنجشک از پر شاهین

گسسته است شب از چنگ زهره تار طرب

کنون به دست وی آن تار پاره‌پاره بین

(همان: ۲۹۱)

در فکر عدلت ار گذرد عالم خیال

زین پس ز عکس باج ستاند بر آینه

(همان: ۲۹۸)

۷-۱-۳. مدح امام عصر حضرت مهدی (عج)

تجلی سیمای حضرت مهدی (عج) در اشعار شاعران شیعی متعهد به اهل بیت (ع) از دیرباز تاکنون به وفور دیده می‌شود. البته در شعر کهن فارسی، مهدویت و انتظار از موضوعات و درون‌مایه‌های حاشیه‌ای به شمار می‌آیند و تعداد شاعرانی که سروده‌ها یا مجموعه‌های شعری خود را به موضوع مهدویت و ظهور اختصاص داده باشند، بسیار اندکند. شاعران گذشته بیشتر از منظر تلمیحی و تلویحی به این موضوع می‌پرداخته‌اند (سلیمی، ۱۳۹۴: ۷۸۹). ثنائی مشهدی در اشعار خود به مضامینی همچون ذکر نام و القاب، بیان عشق و ارادت، وصف خصوصیات ویژه اخلاقی حضرت مانند عدل، شجاعت، بخشش، هیبت و... پرداخته است.

۱-۷-۱-۳. بیان اسامی و القاب

مهدی هادی که مهر با همه تاب و فروغ

پای بت رشک از او در دل رخشان شکست

(ثنائی، ۱۳۹۴: ۲۸۰)

مهدی هادی که برق خنجرش روز مصاف

بر جبین شیرمردان کی مکرر تافته

(همان: ۲۹۴)

آدم اولین نسب مهدی آخرین حسب

آن که ز قدر درگهش طعنه به لامکان زند

(همان: همان جا)

۳-۱-۷-۲. بیان شکوه و منزلت

عقل چه سان طی کند نامه جاهت که فکر

ناطقه را پای سعی در ره عنوان شکست

(همان: ۲۸۰)

پایه ات از مرتبت بر دوش کیوان آمده

سایه ات از روشنی بر روی اختر تافته

(همان: ۲۹۶)

۳-۱-۷-۳. بیان حُسن و زیبایی

زلف تو بس پُر دل است زآن که به دوران شاه

رسم تطاول نهاد بیعت ایمان شکست

(همان: ۲۹۳)

زلف هندوی تو چون از آرزو سرتافته

از چه از آزار دل ها روی کمتر تافته

(همان: همان جا)

۳-۱-۷-۴. بیان عشق و ارادت

درد خدنگت به جان لذت درمان شکست
خار جفایت به دل رونق بستان شکست

(همان: ۲۸۰)

سوختم ز آن گرم خود ص‌دبار و می‌سوزم همان
گرچه خاکستر نشد از شعله دیگر تافته

(همان: ۲۹۳)

۳-۱-۷-۵. بیان عطا و کرم

آفرینش را ب‌باید چید بر یک سو بساط
همتت خوان عطا چون در میان می‌آورد

(همان: ۲۹۴)

ابرکفت تا چو مهر فیض ده خاک گشت
همچو گران بار شاخ خوشه دهقان شکست

(همان: همان جا)

۳-۱-۷-۶. بیان عدل و انصاف

یکی از مهم‌ترین مسائلی که درخصوص قیام حضرت مهدی (عج) در مذهب شیعه بیان می‌شود، برقراری عدل و عدالت در زمان ایشان است. در زمان ظهور حضرت مهدی (عج)، برقراری عدالت و گسترش دادگری، یکی از بنیانی‌ترین نیازهای جامعه بشری محسوب می‌شود. در احادیث نیز ایجاد و اجرای عدالت توسط حضرت

مهدی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال، امام صادق^(ع) فرموده‌اند: «اما والله لیدخلن (القائم) علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر والقر: به خدا قسم که عدالت خود را در درون خانه‌های مردم وارد می‌کند، همان گونه که سرما و گرما داخل می‌شود» (مجلسی، ۱۳۱۵: ۳۶۲/۵۲). امام رضا^(ع) نیز فرموده‌اند: «فاذا خرج وضع میزان العدل بین الناس، فلا یظلم احد احدا: آن‌گاه که خروج کند، ترازوی عدل را در بین مردم می‌نهد؛ پس هیچ کس به دیگری ظلم نمی‌کند» (همان: ۳۲۱). ثنایی در ارتباط با این خصوصیت حضرت، با استفاده مناسب از صنایع شعری سروده است:

کرد جهان را چنان عدل تو از خرمی

قفل کدورت چو باغ بر دل رندان شکست

(ثنایی، ۱۳۹۴: ۱۴۸)

گرگ به دور عدل تو دم به دم از جفای میش

همچو ستم رسیدگان سر به در شبان زند

(همان: ۲۹۵)

۳-۷-۷. بیان شجاعت و دلیری

ای به زیر تیغ و تیرت آسمان سرتافته

وی ز روی زخم تیغت تیغ رو برتافته

(همان: همان‌جا)

بازوی زورآزمای قدرتت روز مصاف

یک اشارت کرده و صد دست و خنجر تافته

(همان: همان‌جا)

۳-۱-۷-۸. بیان قهر و هیبت

پرده شب می‌درد زان روی قهرت همچو صبح

شعله تب شمع را در استخوان می‌آورد

(همان: ۱۸۳)

از حرارت می‌تپد دل در بر گردون مگر

یاد خشم قهرمان انس و جان می‌آورد

(همان: ۱۴۸)

۳-۱-۷-۹. بیان عفو و بخشش

بر سر منبر به جای خطبه گر خواند خطیب

وصف عفو را که دوزخ رو از او برتافته

(همان: همان‌جا)

منبر از فیضش چنان گردد که سوزندش اگر

تن نگردد ز آتش اجزای منبر تافته

(همان: ۲۹۶)

۳-۱-۷-۱۰. بیان کین خواهی و ستم ستیزی

از پی کینه خواهی ات مغز در استخوان خصم

ارقم کینه گردد و نیش بر استخوان زند

(همان: ۲۹۴)

برق تیغ آتشینش روز هیجا خصم را

تاب خورشید قیامت دان که بر سر تافته

(همان: همان‌جا)

۴. نتیجه‌گیری

برآیند پژوهش حاکی از آن است که خواجه حسین بن غیاث‌الدین ثنایی مشهدی، شاعر شیعی و از بنیانگذاران سبک هندی در قرن دهم، با آذین‌بندی شعر و سخن خویش به فضائل و مناقب پیامبر اسلام^(ص) و ائمه اطهار^(ع) به گونه‌ای اعتقاد و ارادت خویش را نسبت به آن بزرگان اعلام داشته است. وی توانسته است به خوبی سجایای اخلاقی و کرامات و مقامات ائمه اطهار^(ع) و پیامبر اسلام^(ص) را در شعر خود ترسیم کند. مهم‌ترین ممدوحان ثنایی در میان بزرگان دینی و مذهبی عبارتند از: پیامبر اکرم^(ص)، امام علی^(ع)، حضرت زهرا^(س)، امام علی بن موسی الرضا^(ع)، امام جواد^(ع)، امام حسن عسکری^(ع) و حضرت مهدی^(عج). در این میان مدح امام رضا^(ع) در اشعار وی بسامد بالاتری دارد. مهم‌ترین بن‌مایه‌های مدح دینی در اشعار او به لحاظ بسامد، از این قرار است: ذکر اسامی و القاب، بیان شکوه و منزلت، حسن و زیبایی، عشق و ارادت، عطا و کرم، حلم، عدل و انصاف، شجاعت و دلیری، قهر و هیبت، عفو و بخشش، کینه‌خواهی و ستم‌ستیزی. این بن‌مایه‌های مدحی تقریباً در ارتباط با تمامی ممدوحان ثنایی، تکرار شده‌اند. برخی دیگر از مضامین نیز عبارتند از: بیان عزم و اراده، علم و دانش، عفت، لطف، ذکر متعلقات، طلب توجه و توسل که فقط به طور خاص درباره برخی از بزرگان دینی آمده است. در کنار مضامین ذکرشده، مضامین دیگری که مختص به یکی از بزرگان دینی باشد نیز در شعر وی دیده شده است؛ مثلاً بیان معجزه شق القمر در ارتباط با پیامبر^(ص) یا واقعه غدیر خم در ارتباط با حضرت علی^(ع). همچنین از دستاوردهای پژوهش به صراحت مشخص گردید که ثنایی به برخی از اخبار و احادیث مروی از ائمه معصومین و پیامبر^(ص) استناد صریح داشته و کلام خویش را با احادیث و روایات، مستند کرده است.

منابع

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۵۴). مردم و شاهنامه. تهران: مرکز فرهنگ مردم-رادیو و تلویزیون ملی ایران.
- (۳) اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۸). تذکره عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین. به تصحیح محسن ناجی سفرآبادی. تهران: اساطیر.
- (۴) تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۹۵). غررالحکم و دررالکلم. ویراستار: سید باقر میرعبداللهی. ج ۸. قم: موسسه فرهنگی دارالحديث.
- (۵) ثنایی مشهدی، خواجه حسین (۱۳۹۴). کلیات اشعار. به تصحیح احترام رضایی. قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- (۶) دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- (۷) رادفر، ابوالقاسم و خورشید قنبری نیز (۱۳۹۲). «شناخت‌نامه و معرفی توصیفی آثار خواجه حسین ثنایی مشهدی». کهن‌نامه ادب پارسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س ۴. ش ۳. صص ۱۱۱-۸۵.
- (۸) رازی، امین احمد (۱۳۸۹). تذکره هفت اقلیم. به تصحیح محمدرضا طاهری. ج ۲. تهران: انتشارات صدا و سیما.
- (۹) رسولی، محمد (۱۳۸۰). دانش‌نامه ادب فارسی در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادش). ج ۴. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- (۱۰) زمخسری، محمود (۱۴۰۷). الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل. ج ۱. بیروت: دارالکتب العربیه.

- (۱۱) سلیمی، حسین (۱۳۹۴). «ادبیات مهدوی و جایگاه آن در شعر سید حسن حسینی. شاعر آیینی معاصر». مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی. دانشگاه محقق اردبیلی. صص ۷۸۹-۷۹۷.
- (۱۲) شریف القریشی، باقر (۱۳۷۶). *حياة الامام الحسن العسکری*. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- (۱۳) صادق‌زاده، محمود و الهه امینی خلف بادام (۱۳۹۷). «بررسی انواع مدح و مرثیه در دیوان وصال شیرازی». فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد. س ۸. ش ۲۸. صص ۸۰-۶۷.
- (۱۴) صدوق، محمد بن علی حسین (۱۳۶۳). *عیون اخبار الرضا*. به تصحیح سید مهدی حسینی. ج ۱. قم: طوس.
- (۱۵) صفاء، ذبیح‌الله (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات در ایران*. ج ۵. چ ۱۲. تهران: فردوس.
- (۱۶) ضیا، محمدرضا و سید احمد حسینی کازرونی و سید جعفر حمیدی (۱۳۹۹). «بررسی اشعار مدحی و مرثیاتی میرزا احمد متولی باشی». دوفصلنامه علمی - پژوهشی زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد فسا. س ۱۱. ش ۱. پیاپی ۲۲. صص ۹۷-۷۵.
- (۱۷) طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۱ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۱۹. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- (۱۸) طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- (۱۹) فخرالزمانی، ملاعبدالنبی (۱۳۶۲). *تذکره میخانه*. به تصحیح احمد گلچین. چ ۳. تهران: اقبال.

۲۰) فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۰). احادیث و قصص مثنوی. به‌کوشش حسین داودی. تهران: امیرکبیر.

۲۱) قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۱۲ق). تفسیر القمی. ج ۱. قم: دارالکتاب اسلامی.

۲۲) کلینی، محمد یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

۲۳) کوپا، فاطمه و احترام رضایی (۱۳۹۲). «لغت‌نامه دهخدا و دو اشتباه در مورد خواجه حسین ثنائی مشهدی». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). س ۶. ش ۱. ش پایانی ۱۹. صص ۳۳۰-۳۱۹.

۲۴) گلچین معانی، احمد (۱۳۶۹). کاروان هند. ج ۱. تهران: انتشارات آستان قدس.

۲۵) مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۵). بحارالانوار. ج ۷ و ۳۵. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۶) محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳). دانش‌نامه امیرالمؤمنین^(ع). ج ۱۰. تهران: موسسه فرهنگی دارالحديث.

۲۷) مدبری، محمود و خورشید قنبری‌نیز (۱۳۹۱). «بررسی آثار ثنائی مشهدی با تکیه بر جنبه‌های سبک‌شناسی». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). س ۵. ش ۴. ش پایانی ۱۸. صص ۳۲۶-۳۱۴.

۲۸) مظهری‌آزاد، حمیده (۱۴۰۳). «منقبت‌گویی در ادبیات فارسی». نشریه علمی مطالعات نوین علوم انسانی در جهان. ج ۵. ش ۳. صص ۱۳۵-۱۴۵.

۲۹) مقدسی، یوسف و امیر محمودی (۱۳۹۹). «عشق به اهل‌بیت^(ع) از منظر قرآن و سنت با تبیین آیه مودت». دوفصلنامه تخصصی مطالعات فقه و اصول. س ۳. ش ۲. صص ۹۲-۷۲.

۳۰) مینا، فاطمه و محمدحسین کرمی (۱۳۹۴). «بررسی عناصر شاعرانه در شعر ثنائی

- مشهدی». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). س ۸. ش ۳.
ش پیاپی ۲۹. صص ۳۷۵-۳۹۴.
- ۳۱) نهاوندی، عبدالباقی (۱۳۸۱). زندگی نامه‌ها. به تصحیح عبدالحسین نوایی. بخش سوم. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۳۲) وزین‌پور، نادر (۱۳۷۴). مدح، داغ‌ننگین بر سیمای ادب فارسی. تهران: معین.
- ۳۳) یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران: سروش.

